**تنجيم و ستاره‏شناسى**

آیة الله سيد محسن خرازى

[ من صفحة 72 الی 106]

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | |  |  |  | | | **تنجيم و ستاره‏شناسى**  سيد محسن خرازى  **چكيده:**  علم نجوم، دانشى مبتنى بر قواعد تجربى و رياضى است كه در طول تاريخ با خرافه و گمانه زنى‏هاى غير علمى همراه گشته است. مخالفت روايات نيز متوجه همين بخش نيز علمى آن است، بنابراين هيچ دليلى بر حرمت بهره مندى از اين دانش در راستاى خبر دادن از حوادث فلكى همچون خسوف و كسوف كه مبتنى بر قواعد علمى است، وجود ندارد؛ بلكه اگر كسى اعتقاد به تأثير اوضاع فكلى بر حوادث زمينى داشته باشد و يا آنها را كاشف از پديده‏هاى زمينى بداند و در عين حال تأثير و كشف آنها را مستقل از اراده الهى نشمارد، كافر شمرده نمى‏شود، ولى اگر حوادث فلكى را بدون اراده قاهر الهى مؤثر در پديده‏هاى زمينى بداند، در كفر او ترديدى نيست و اگر اراده خداوند را برتر از تأثير اين علل دانسته ولى با قطعيت از حوادث آينده پيش گويى كند بگونه‏اى كه با تعاليم دينى همچون تأثير دعا و صدقه منافات داشته باشد، مرتكب فعل حرام شده است.  كيهان‏شناسى ـ يا علم هيئت و يا ستاره‏شناسى ـ از علوم كهن و داراى پيشينه‏اى تاريخى است و آثار و نشانه‏هاى علاقه ملل قديم به اين علم را مى‏توان در تاريخ بازيافت.  كيهان‏شناسى همانند علومى كه مبتنى بر معادلات رياضى و اعداد و قواعد خاص |   [72] |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | تنجيم و ستاره‏شناسى |  |  | | | آنهاست از محدوده خود، فراتر نرفته. با اين حال، عناصرى غريب و خارج از حيطه علم به آن راه يافته و اين امر باعث آميختگى اش با حدسيات و گمانه زنى‏هاى غير علمى و غيب گويى‏ها گرديده و آن را بيشتر به فال‏گيرى و خرافه گويى نزديك كرده است؛ همانند اخبار غيب از راه دقت در اوضاع ستارگان در اوقات معين. همچنين با پاره‏اى اعتقادات باطل كه در قلمرو اين دانش نيستند آميخته است؛ از قبيل اينكه افلاك و ستارگان خالق هستى اند يا به صورت استقلالى و يا به به شراكت با خداوند تبارك و تعالى در آن مؤثرند.  حال اگر بخواهيم جايگاه دينى اين علوم را، از نظر نصوص يا فتاواى صادره باز يابيم، ناگزيريم كه مسائل آن را با دقت بكاويم و جايگاه راستين اش را پيدا كنيم و از آنچه با خرافه آميخته است، تميزش دهيم؛ دراين صورت درخواهيم يافت كه نهى و تحريم شرعى ناظر بر عناصرى است كه از موضوع اين علم بيرون اند و اگر آن را از مسائل پيرامونى كه با علم نجوم آميخته شده پيراسته كنيم ـ همانطور كه امروزه متداول است ـ خواهيم ديد كه شريعت هيچ نهيى بر آن ندارد و نظر منعى اسلام فقط به خاطر ايستادگى در مقابل خرافات و گسترش آن در اجتماع مسلمين و نشر عقايد باطله از ناحيه آنهاست.  نويسنده با پرده برداشتن از بعضى توهمات وارده و بررسى نصوص شرعى ثابت كرده كه هيچ نوع مخالفتى از طرف شريعت بر ستاره‏شناسى در محدوده واقعيش وارد نشده است ؛ بلكه نهى وارده ناظر بر مسائل پيرامونى است كه بر علم عارض شده است.  **حكم تنجيم**  در اين قسمت ما به صورت‏ها و اشكال مختلف خبردهى و پيش بينى از آينده كه بر اساس حركت ستارگان و تحولات فلكى هستند مى‏پردازيم:  1. خبردادن از تحولات فلكى مبتنى بر حركت ستارگان  هيچ دليلى بر حرمت خبردادن از اوضاع افلاك مبتنى بر حركت و سير ستارگان وجود ندارد؛ مانند خبر دادن از خسوف كه نشأت گرفته از قرار گرفتن زمين بين ماه و خورشيد و ي |   [73] |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | سال 13 ≈ شماره 49 |  |  | | | همانند خبردادن از كسوف كه ناشى از قرارگرفتن ماه يا كره‏اى بين زمين و خورشيد است.  شيخ انصارى در اين زمينه مى‏گويد: «خبردادن از اوضاع افلاك چه به صورت قطعى و با استناد به برهان و چه به صورت ظنىّ و با اعتماد بر امارات، اوضاع را بازگويد، جايز است». **[(1)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "74f1" \o " المكاسب، ص25.)**  حال اگر خبردادن از اين گونه حوادث حرام نباشد، مطالعه و تحقيق و اعتقاد به آن نيز حرام نخواهد بود، زيرا دليلى بر حرمت آن وجود ندارد. به عبارت ديگر آنچه مقتضى عدم حرمت اخبار است مقتضى عدم حرمت اعتقاد و مطالعه و بحث در باره افلاك نيز است.  از اين رو فاضل ايروانى مى‏گويد: «ظاهر اين است كه همه كارهاى سه گانه جايز بوده و اشكالى بر آن‏ها نيست، و نه كفر است و نه فسق، زيرا دليلى بر منع از آنها موجود نيست.» **[(2)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "74f2" \o " المكاسب، ص25.)**  مقتضاى اصل و قاعده جواز مطالعه و تحقيق در ستارگان و همچنين اعتقاد به آن اخبار براساس آن است، در نتيجه تنجيم ـ ستاره‏شناسى ـ به اين معنى جايز و بدون اشكال است.  البته ممكن است گفته شود كه اينگونه خبر دادن خارج از تنجيم است؛ زيرا تنجيم عبارت از بررسى حركات ستارگان و شناخت اثر گذارى آنها درحوادث زمينى و ارتباط حوادث زمينى با اجرام آسمانى است. اما پيش بينى‏هاى علمى خارج از تنجيم بوده و داخل در علم هيئت است.  در رد اين سخن مى‏توان گفت: تنجيم اعم است و هر دو معنا را در بر مى‏گيرد. تنجيم در لغت عبارت است از شناخت زمان حركت ستارگان و طلوع و غروب و وضع فلكى آنها.  در تاج العروس آمده است: «و منجّم بر وزن محدّث والمتنجِّم و نجّام بر وزن شدّاد كسى است كه ستارگان را  **[(1)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "741) المكاسب، ص25.**  **[(2)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "742) التعليقة، ص23.** |   [74] |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | تنجيم و ستاره‏شناسى |  |  | | | بر حسب اوقات زمانى معين بررسى كرده و حركت آنها را در طلوع و غروبشان محاسبه مى‏كند». **[(3)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "75f3" \o " تاج العروس، ج9، ص72.)**  كسانى مانند سيد مرتضى و كراجكى كه تنجيم را ممنوع مى‏دانند، اين نوع تنجيم را جايز شمرده‏اند: حال برخى از منكرين تنجيم به جواز اِخبار از اوضاع فلكى اعتراف نموده‏اند. كسوف‏ها و نيز نزديك و دورگشتن ستارگان، با محاسبه و بررسى سير ستارگان صورت مى‏گيرد و اصول و قوانينى صحيح و متقن دارد، امّا ادعاى تأثير ستارگان در خير و شر و نفع و ضرر چنين نبوده و از اصول و قواعد صحيحى برخوردار نيست.  محقق كركى(ره) در جامع المقاصد ـ به مجاز بودن تنجيم به معناى اخير اشاره و روايات مربوط به كراهت مسافرت و ازدواج در برج عقرب را در تأييد آن آورده است.  ادله جواز:  1. در كتاب بحار الانوار روايتى از كتاب نجوم سيد بن طاووس نقل شده كه با طرق متعددى به يونس بن عبدالرحمان مى‏رسد و او نيز به اسناد خود آن را از امام صادق (ع) روايت كرده است:  قلت لأبي عبداللّه‏ (ع) جعلت فداك! أخبرني عن علم النجوم ما هو؟ فقال: «هو علم من علم الأنبياء»، قال: فقلت: كان علي بن أبي طالب يعلمه؟ فقال: «كان أعلم الناس به»؛  به امام صادق(ع) عرضه داشتم: علم نجوم چيست؟ فرمود: «دانشى است از دانشهاى پيامبران». گفتم: آيا على بن ابى طالب(ع) آن را مى‏دانست؟ فرمود: «او داناترين مردم به اين دانش بود». **[(4)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "75f4" \o " تاج العروس، ج9، ص72.)**  ظاهر روايت، اصل علم نجوم را درست مى‏داند.  حديث عبدالرحمن بن سيابه نيز مؤيد اين معناست. راوى گفته است:  قلت لأبي عبداللّه‏ (ع) جعلت لك الفداء! إنّ الناس يقولون: لايحلّ النظرفيها و  **[(3)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "753) تاج العروس، ج9، ص72.**  **[(4)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "754) بحار الانوار، ج58، ص235.** |   [75] |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | سال 13 ≈ شماره 49 |  |  | | | هي تعجبني؛ فإن كانت تضرّ بدينى فلاحاجة لي في شى‏ء يضرّ بدينى، و ان كانت لا تضرّ بدينى فواللّه‏ إنّي لأشتهيها و أشتهي النظر فيها، فقال: «ليس كما يقولون ؛ لا تضرّ بدينك ـ ثمّ قال: ـ إنّكم تنظرون في شيء منها كثيره لايدرك، وقليله لاينتفع به...»؛  به امام صادق (ع) عرضه داشتم: مردم مى‏گويند: نگريستن در نجوم(يعنى محاسبه و بررسى اوضاع فلكى) جايز نيست و حال آنكه اين عمل بسيار خوشايند من است، اگر مضر به دين مى‏باشد، هرگز به چيزى كه در دينم زيان وارد آورد، ميلى ندارم و به آن نيازى نمى‏بينم، و اما اگر به دينم ضررى نمى‏زند، قسم به خدا مايل بدان و نگريستن در نجوم مى‏باشم. حضرت(ع) در پاسخ فرمود: «اين گونه نيست كه ايشان مى‏گويند، نجوم ضررى براى دينت ندارد، ـ سپس فرمود ـ : شما در چيزى مى‏نگريد كه بسيارش قابل درك نيست و اندكش فايده‏اى ندارد». **[(5)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "76f5" \o " الروضة، ص195.)**  اين روايت اگر چه در باب جواز علم آموزى و شناخت آثار ستارگان آمده ولى به طريق اَولى بر مطلب مورد نظر ما دلالت دارد.  سيد بن طاووس مى‏گويد: «اين حديث را بسيارى از راويان ما در كتاب‏ها و اصول خود آورده‏اند». **[(6)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "76f6" \o " الروضة، ص195.)**  2. خبر محمدبن يحيى خثعمى:  «سألت أبا عبداللّه‏ (ع) عن النجوم حقّ هي؟ قال: «نعم»، فقلت له: وفي الأرض من يعلمها؟ قال: نعم، و في الأرض من يعلمها؛  از امام صادق(ع) سؤال كردم كه آيا علم نجوم حق است؟ فرمود: آرى. پرسيدم: آيا كسى هم هست كه آن را بداند؟ فرمود: بله، در زمين كسانى هستند كه اين علم را مى‏دانند». **[(7)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "76f7" \o " الروضة، ص195.)**  **[(5)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "765) الروضة، ص195.**  **[(6)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "766) جواهر الكلام، ج22، ص103.**  **[(7)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "767) مستدرك الوسائل، ج2، ص432.** |   [76] |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | تنجيم و ستاره‏شناسى |  |  | | | 3.كراجكى از اميرالمؤمنين(ع) نقل مى‏كند:  «أنّه قال: العلوم أربعة: الفقه للأديان، والطبّ للأبدان، والنحوم للسان، و النجوم للأزمان؛  علوم بر چهار قسم است: فقه براى شناخت ايمان، پزشكى براى ابدان، نحو براى زبان، نجوم براى شناخت زمان‏ها». **[(8)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "77f8" \o " همان، ص433.)**  4. هشام الخفاف گفت: قال لي أبوعبداللّه‏ (ع): كيف بصرك بالنجوم؟ قال: قلت: ما خلفّت بالعراق أبصر بالنجوم منّى. قال: «كيف دوران الفلك عندكم؟... ما بال العسكرين يلتقيان؛ في هذا حاسب و في هذا حاسب، فيحسب هذا لصاحبه بالظفر، و يحسب هذا لصاحبه بالظفر، فيهزم أحدهما الآخر؟! فأين كانت النحوس؟! قال: فقلت: لا و اللّه‏ ما أعلم ذلك، قال:، فقال: صدقت، إنّ أصل الحساب حق، ولكن لايعلم ذلك إلاّ من علم مواليد الخلق كلّهم؛  امام صادق(ع) به من فرمودند:  «آيا نسبت به دانش نجوم آگاهى دارى؟» گفتم: در عراق كسى آگاهتر از من به نجوم نيست. فرمود: نظر شما در باره حركت ستارگان و افلاك چيست؟ تا آن جا كه فرمود: چه مى‏گويى در مورد دو لشكر كه قصد نبرد با يكديگر را داشته، و در هر دو، منجمى حسابگر وجود دارد، كه هريك براى لشكر خويش، براساس قواعد نجومى، پيروزى را پيش بينى مى‏كند، ولى آنگاه كه اين دو لشكر به جنگ بر مى‏خيزند، يكى شكست مى‏خورد، پس آن پيش بينى چه بود؟ راوى مى‏گويد: گفتم به خدا قسم نمى‏دانم، حضرت فرمود: راست گفتى(كه نمى‏دانى) همانا اصل حساب حق است، اما آن را جز كسى كه آگاه به همه مخلوقات است، نمى‏داند» **[(9)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "77f9" \o " همان، ص433.)**.  5. حفص بن بخترى گفت:  **[(8)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "778) همان، ص433.**  **[(9)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "779) جامع الاحاديث، ج17، ص225.** |   [77] |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | سال 13 ≈ شماره 49 |  |  | | | ذكرت النجوم عند أبي عبداللّه‏ (ع)، فقال: ما يعلمها إلاّ أهل بيت بالهند و أهل بيت من العرب؛ نزد امام صادق(ع) اسمى از نجوم بردم، حضرت فرمودند: كسى جز خانواده‏اى در هند و خانواده‏اى از عرب آن را نمى‏داند» **[(10)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "78f10" \o " همان، ص 228.)**.  6. محمد و هارون ـ دو پسر سهل ـ به امام صادق(ع) نامه‏اى نوشتند و در آن پرسيدند: پدر و جدّ ما نجوم مى‏دانستند، آيا نظر در نجوم جايز است؟ حضرت در پاسخ فرمودند: آرى. **[(11)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "78f11" \o " همان، ص 228.)**  7. در كمال الدين آمده است: اين دو برادر نامه‏اى ديگر براى حضرت نوشتند كه: ما پسران نوبخت منجّم در گذشته نامه‏اى نوشتيم و پرسيديم كه آيا نظر در نجوم جايز است و شما در پاسخ فرموديد: بلى، در حالى كه منجمان در صفت و چگونگى فلك اختلاف دارند... امام(ع)در پاسخ نوشتند: بلى جايز است مادامى كه شخص را از توحيد خارج نسازد. **[(12)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "78f12" \o " همان، ص 228.)**  8. در جامع الاحاديث به نقل از كتاب نَزهة الكرام و بستان العوام **[(13)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "78f13" \o " همان، ص 228.)** آمده است:  «روايت شده كه هارون الرشيد به دنبال امام موسى بن جعفر(ع) فرستاد و او را نزد خود خواند، هنگامى كه ايشان حاضر شدند، هارون به امام (ع) گفت: مردم، شما ـ فرزندان فاطمه(سلام اللّه‏ عليها) ـ را به علم نجوم نسبت مى‏دهند و شما اين علم را خوب مى‏شناسيد، ولى فقهاى عامّه مى‏گويند: «پيامبر اكرم(ص) فرموده است: هنگامى كه از اصحاب من سخن به ميان آمد، ساكت شويد و اگر از قَدَر، سخنى به ميان آمد سكوت كنيد و اگر از نجوم چيزى گفتند سكوت كنيد».  **[(10)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "7810) همان، ص 228.**  **[(11)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "7811) همان.**  **[(12)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "7812) همان.**  **[(13)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "7813) مؤلف اين كتاب، محمد بن الحسين بن الحسن الرازي.** |   [78] |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | تنجيم و ستاره‏شناسى |  |  | | | اميرالمؤمنين(ع) داناترين مردم به علم نجوم بود و فرزندان او هم ـ كسانى كه شيعه قائل به امامت آن‏ها هستند ـ دانا به آن هستند.  حضرت امام موسى بن جعفر(ع) به هارون الرشيد فرمودند: «اين حديث، ضعيف بوده و اسنادش مخدوش است. خداوند تبارك و تعالى علم نجوم را مدح كرده است و اگر نجوم صحيح نبود خداوند آن را مدح نمى‏كرد. انبياى الهى نيز به آن عالم بوده‏اند. خداوند درباره ابراهيم خليل الرحمان فرموده است: {و كذلك نرى إبراهيمَ ملكوت السموات و الأرض و ليكون من الموقنينَ } ؛ و اين چنين ما به ابراهيم ملكوت آسمان‏ها و زمين را نمايانديم و تا اين كه از يقين كنندگان باشد» **[(14)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "79f14" \o "  انعام، آيه 75.)** و در جاى ديگر مى‏فرمايد: {فنظر نظرةً في النجومِ فقال إني سقي } .؛پس نظرى به ستارگان افكند، و گفت: من ناخوشم». **[(15)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "79f15" \o "  انعام، آيه 75.)** پس اگر به علم نجوم آگاهى نداشت در ستارگان نمى‏نگريست و نمى‏گفت ناخوشم. ادريس(ع) داناترين اهل زمان خود به علم نجوم بوده. خداوند به نجوم قسم ياد كرده و فرموده است: {فلا أُقسمُ بمواقِعِ النجوم و إِنَّه لَقَسمٌ لو تعلمون عظي } .؛ **[(16)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "79f16" \o "  انعام، آيه 75.)** چنين است كه مى‏پنداريد، سوگند به جايگاههاى ويژه و در جاى ديگر مى‏فرمايد: {والنازعات غرقاً } **[(17)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "79f17" \o "  انعام، آيه 75.)** ... فالمدبّراتِ أَمراً **[(18)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "79f18" \o "  انعام، آيه 75.)** و مراد از آن 12 برج و 7 سياره است. سوگند به كسى كه شب و روز را ظاهر مى‏كند، بعد از قرآن هيچ علمى شريف‏تر از علم نجوم نيست و آن علم انبياء و اوصياء و ورثه انبياء است، كسانى كه خداوند در باره آنان فرموده است: {وَ عَلاماتٍ وَ بالنجم هُم يهتدو } . **[(19)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "79f19" \o "  انعام، آيه 75.)**. هارون به امام گفت: شما را به خدا اين سخنان را نزد نادانان و عوام مردم، آشكار مكن تا  **[(14)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "7914) انعام، آيه 75.**  **[(15)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "7915) صافّات، آيه 88 و 89.**  **[(16)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "7916) واقعه، آيه 75 و 76.**  **[(17)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "7917) نازعات، آيه 1.**  **[(18)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "7918) همان، آيه 5.**  **[(19)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "7919) نحل، آيه 16.** |   [79] |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | سال 13 ≈ شماره 49 |  |  | | | از شما بدگويى نكنند... به من خبر ده: آيا شما قبل از من مى‏ميريد يا من قبل از شما، زيرا شما از علم نجوم آن را مى‏دانيد؟ حضرت به او فرمودند: «آيا به من امان مى‏دهى تا بگويم؟ گفت: در امانى. حضرت فرمود: من قبل از تو مى‏ميرم، دروغ نگفتم و به من دروغ گفته نشده وفاتم نزديك است. **[(20)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "80f20" \o " جامع الاحاديث، ج17، ص229.)**  9. از ابن ابى عمير روايت شده كه مى‏گويد:  كنت أنظر في النجوم و أعرفها و أعرف الطالع، فيد خلني من ذلك شى‏ء فشكوت ذلك إلى أبي الحسن موسى بن جعفر (ع)، فقال: إذا وقع في نفسك شى‏ء فتصدّق على أوّل مسكين ثمّ امض؛ فإن اللّه‏ يدفع عنك؛  مدتها بود كه من در ستارگان مى‏نگريستم و آنها را مى‏شناختم و طالع مى‏دانستم، گاهى از اين كار احساس بدى در دلم خطور مى‏كرد، تا اين كه آن را با امام موسى بن جعفر(ع) در ميان گذاشتم، حضرت فرمودند: «وقتى چيز بدى به دلت خطور كرد، به اوّلين مسكينى كه ديدى صدقه بده، سپس بگذر، خداوند آن را از تو دفع خواهد كرد». **[(21)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "80f21" \o " جامع الاحاديث، ج17، ص229.)**  علامه مجلسى در مرآة العقول مى‏گويد: شيخ صدوق در فقيه با سند صحيحى اين روايت را از ابن ابى عمير نقل كرده است، **[(22)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "80f22" \o " جامع الاحاديث، ج17، ص229.)** ولى در صحت سند حديث جاى تأمل و اشكال است.  **ادله منع**  در مقابل، رواياتى نيز وجود دارند كه بر مذموم بودن علم نجوم و تشبيه منجّم به كاهن و جادو گر دلالت دارند، از جمله: موثقه نصربن قابوس كه در كتاب خصال روايت شده است:  **[(20)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "8020) جامع الاحاديث، ج17، ص229.**  **[(21)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "8021) من لايحضره الفقيه، ج2، ص269، ح2406.**  **[(22)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "8022) مرآة العقول، ج2، ص478.** |   [80] |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | تنجيم و ستاره‏شناسى |  |  | | | قال: سمعت أبا عبداللّه‏ (ع) يقول: المنجّم ملعون، و الكاهن ملعون، و الساحر ملعونٌ و المغنية ملعونة، و من آواها و أكل كسبها ملعون، و قال (ع): المنجّم كالكاهن، و الكاهن كالساحر، و الساحر كالكافر، والكافر في النار؛  نصربن قابوس گفت: از امام صادق(ع) شنيدم كه فرمودند: منجّم ملعون است، و جادوگر ملعون است و كاهن ملعون است و زن آواز خوان ملعون است و كسى هم كه به آنها پناه دهد و از كسب آنها بخورد ملعون است. همچنين فرمود: «منجّم همانند كاهن و كاهن همانند جادوگر و جادوگر همانند كافر و كافر در آتش است». **[(23)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "81f23" \o " جامع الأحاديث، ج17، ص195.)**  روايات ديگرى كه بر ذمّ و تقبيح منجّم و تشبيه او به كاهن دلالت دارند، فراوانند. مى‏توان گفت: اين احاديث داراى چنين اطلاقى نيستند كه شامل آنچه ما در ابتدا ثابت كرديم شود؛ در نتيجه با رواياتى كه بر اخبار از اوضاع فلكى مبتنى بر حركت ستارگان مانند كسوف و خسوف و غير آنهاست، منافاتى ندارند.  علاوه بر اين، شواهدى در روايات وجود دارد كه دلالت مى‏كند مراد از منجّم كسى است كه به تأثير ستارگان اعتقاد و ايمان دارد و قضا و قدر خداوند تبارك و تعالى را تكذيب مى‏كند **[(24)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "81f24" \o " جامع الأحاديث، ج17، ص195.)** يا كسى است كه با علم خود، با خدا مخالفت مى‏كند و به زعم خود مى‏خواهد قضاى الهى را از مردم برگرداند **[(25)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "81f25" \o " جامع الأحاديث، ج17، ص195.)** يا كسى است كه از روى يقين و قطع وقوع حوادث را خبر مى‏دهد به گونه‏اى كه جايى براى استعانت از درگاه الهى باقى نمى‏گذارد.  از اين رو حضرت على(ع) در پاسخ كسى كه براساس پيش بينى نجومى، او را از سفرى منع كرد، فرمود:  «آيا تو گمان مى‏كنى كه ساعت سعدى را كه هركس در آن حركت كند از بدى در امان بوده و ساعت نحسى را كه هركس در آن حركت كند مبتلا به ضرر و  **[(23)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "8123) جامع الأحاديث، ج17، ص195.**  **[(24)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "8124) همان، ص 221، ح18.**  **[(25)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "8125) همان، ص 233، ح23.** |   [81] |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | سال 13 ≈ شماره 49 |  |  | | | خسارت خواهد شد مى‏دانى؟ همانا هركس تو را در اين ادعا تصديق كند، قرآن را تكذيب كرده است و براى رسيدن به آمال و دفع ناملايمات خود را از استعانت از خداوند بى نياز مى‏داند. سپس حضرت رو به مردم كرده و فرمود: از يادگيرى نجوم برحذر باشيد، مگر به اندازه‏اى كه در شناخت راههاى زمينى و دريايى لازم است، چرا كه نجوم، شخص را به كهانت مى‏كشاند و كاهن همانند جادوگر و جادوگر همانند كافر است و كافر در آتش است. با نام خدا حركت كنيد. **[(26)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "82f26" \o " همان، ص236؛ نهج البلاغه، ص168.)**  شايد روايتى كه شيخ صدوق در من لايحضره الفقيه نقل مى‏كند از همين باب باشد. عبدالملك بن اعين نقل مى‏كند:  قلت لأبي عبداللّه‏ (ع): إني قد ابتليتُ بهذا العلم، فأريد الحاجة، فإذا نظرت إلى الطالع و رأيت الطالع الشرّ جلست و لم أذهب فيها، و إذا رأيت الطالع الخير ذهبت في الحاجة، فقال لي: «تقضي؟» قلت: نعم، قال: احرق كتبك؛  به امام صادق(ع) گفتم: من به نگريستن در نجوم مبتلا شده و هرگاه خواسته‏اى داشته باشم به طالع مى‏نگرم. اگر به آن نگريستم و طالع را شر ديدم خواهم نشست و به دنبال خواسته خود نمى‏روم و هرگاه طالع را خوب ديدم به دنبال كار خود مى‏روم. حضرت فرمود: «آيا براساس نجوم نيز حكم مى‏كنى» گفتم: بلى. فرمود: «كتابهايت را بسوزان». **[(27)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "82f27" \o " همان، ص236؛ نهج البلاغه، ص168.)**  علامه مجلسى در شرح اين خبر مى‏گويد:  قول حضرت كه فرمودند: «تقضي»، يعنى: آيا براى مردم به همان چيزهايى كه در طالع ديدى حكم مى‏كنى، و آنها را از احكام نجوم و سعد و نحس آنها آگاه مى‏كنى و يا اين كه «تقضى» را به صيغه مجهول بخوانيم، يعنى آيا اگر در طالع، خيرى مشاهده كردى حاجتت برآورده شده و به آن معتقد مى‏شوى؟ در هر دو  **[(26)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "8226) همان، ص236؛ نهج البلاغه، ص168.**  **[(27)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "8227) من لايحضره الفقيه، ج2، ص267، ح2402.** |   [82] |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | تنجيم و ستاره‏شناسى |  |  | | | تقدير اين روايت بر عدم جواز نظر در نجوم و پيش گويى براساس احكام نجومى و مراعات آنها دلالت دارد. تأويل حديث به اين كه مراد از نجوم در اينجا اعتقاد به تأثير نجوم است، بعيد مى‏نمايد. **[(28)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "83f28" \o " مرآة العقول، ج26، ص478.)**  در هر صورت، اين خبر بر جواز نظر بدون حكم كردن و اعتقاد داشتن به آن دلالت داشته و حكم كردن و اعتقاد به تأثير را در هر دو تقدير جايز نمى‏شمارد و حمل حديث بر مطلق هر نظر و اخبارى بدون حكم كردن و اعتقاد داشتن به آن بعيد است.  حاصل سخن آنكه خبر دادن از اوضاع افلاك و نظر و اعتقاد به امورى همچون كسوف و خسوف و غير آنها مانعى ندارد؛ زيرا اوّلاً اخبار وارده از اين گونه موارد انصراف دارد، ثانياً شواهد روايى نشان مى‏دهد كه موضوع نهى شده خارج از اين قسم است.  نهايتاً در مقام شك در اين كه آيا ادله ناهيه اين گونه موارد را هم شامل مى‏شود، مقتضاى قاعده، حكم به جواز است.  شيخ صدوق بعد از نقل حديث «منجّم مانند كاهن است...» مى‏گويد:  «منجّم ملعون كسى است كه اعتقاد به قديم بودن افلاك دارد و به آفريننده آنها اعتقاد ندارد. **[(29)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "83f29" \o " مرآة العقول، ج26، ص478.)**  شيخ بهايى مى‏گويد:  «ادعاى منجمان مبنى بر ارتباط بعضى از حوادث زمينى با اجرام آسمانى اگر چنين مى‏پندارند كه اجرام آسمانى مستقلاً علت مؤثر در حوادث زمينى يا شريك در تأثير هستند، اين اعتقاد براى شخص مسلمان حلال نيست، و علم نجوم مبتنى بر اين اعتقاد كفر است و رواياتى كه از علم نجوم برحذر داشته و از صحت اعتقاد بدان نهى كرده، بر اين معنا حمل شده‏اند. **[(30)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "83f30" \o " مرآة العقول، ج26، ص478.)**  آيا اعتماد بر اخبار منجّم جايز است؟ شيخ انصارى ميان اخبار منجّم به امور بديهى و غير  **[(28)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "8328) مرآة العقول، ج26، ص478.**  **[(29)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "8329) همان، ج26، ص 479.**  **[(30)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "8330) همان، ص 463.** |   [83] |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | سال 13 ≈ شماره 49 |  |  | | | بديهى تفصيل مى‏دهد؛ در امور بديهى جايز و در غير بديهى جايز نيست. ايشان مى‏نويسد:  خطاى آنان در محاسبه بسيار زياد است؛ از اين رو اعتماد بر عدول آن‏ها جايز نيست، چه رسد به فسّاقشان ؛ زيرا محاسبه آنان مبتنى بر امورى نظرى است كه اين نظريات هم خود مبتنى بر نظريات ديگرى است، مگر محاسبه آنان در امور بديهى مثل خبر دادن از اينكه امروز ماه در برج عقرب است يا خورشيد امروز از برجى به برج ديگر منتقل مى‏شود، اگر چه در اين موارد هم اختلافات اندكى ميان آنان رخ مى‏دهد. البته در اين گونه موارد حاكم مى‏تواند بر شهادت دو منجّم عادل براى تعيين زمان دين و يا مانند آن اعتماد كند». **[(31)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "84f31" \o " المكاسب المحرّمه، ص25.)**  سخن شيخ انصارى از چند جهت اشكال دارد:  اوّلاً: از ظاهر عبارت شيخ بر مى‏آيد كه ايشان اين گونه اخبار را از باب شهادت دانسته‏اند در حالى كه شهادت مبتنى بر حس است، ولى نجوم مبتنى بر محاسبه است.  ثانياً: اعتبار تعدد شاهدان در شهادت بر موضوعات، محل بحث است؛ زيرا دليلى بر آن وجود ندارد، بناى عقلا هم اكتفا به قول يك ثقه است. بلى در خبر مسعدة بن صدقه ـ در مورد شك در حرام بودن چيزى ـ آمده است: اشيا همگى حلال هستند مادامى كه حرام بودن آن‏ها آشكار نشده يا بينه‏اى بر حرام بودن آن‏ها اقامه نشود. اگر مراد از بيّنه، بيّنه اصطلاحى شرعى باشد كه شهادت دو نفر عادل است، اين روايت، بناى عقلا را رد مى‏كند. ولى سند و دلالت روايت محل بحث است، البته مقتضاى احتياط، تعدد شاهدان است .  ثالثاً: قول منجّم را از باب اين كه او اهل خبره است مى‏توان پذيرفت؛ بنابراين اگر نهى خاصى در مورد او نباشد مى‏توان بر سخن او اعتماد كرد، چه اخبار او در امور بديهى باشد و چه غير بديهى.  اما وجود خطا و اشتباه مختص اين علم فقط نيست، بلكه كم و بيش در همه علوم  **[(31)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "8431) المكاسب المحرّمه، ص25.** |   [84] |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | تنجيم و ستاره‏شناسى |  |  | | | شايع است. اگر كثرت اشتباهات به حدى نباشد كه عقلا اعتنايى به نظر منجّم نكنند، صرف وجود اشتباه موجب عدم اعتماد نمى‏شود و لذا در كتاب بلغة الطالب احتمال رجوع به منجّم از باب اين كه وى نيز يكى از افراد اهل خبره است جايز شمرده شده است. **[(32)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "85f32" \o " بلغة الطالب، ج1، ص99 و 100.)**  اما نهى از تصديق منجّم كه در روايات آمده، مربوط به نكته ديگرى است كه خواهد آمد.  2. اِخبار از آينده با توجه به اوضاع فلكى بدون اعتقاد به تأثيرات آنها:  شيخ انصارى مى‏گويد:  «خبر دادن از حدوث وقايعى هنگام اتصالات و حركات ستارگان جايز است، مثلاً خبر دهد كه هنگام پيدايش وضع معيّنى همچون نزديكى و دورى و مقابل گشتن و اقتران دوستاره، فلان واقعه در آينده رخ خواهد داد. البته اين گونه خبردهى در صورتى جايز است كه به گونه ظنّى و مستند به تجربه‏هاى حاصل شده يا نقل شده در وقوع حادثه‏اى به اراده خدا در وضع خاص فلكى باشد، بدون اين كه معتقد به رابطه عليت بين آن دو باشد، بلكه در صورت عدم اعتقاد به سببيّت افلاك در پيدايش حوادث و استناد به تجربه قطعى، جايز است به گونه قطعى نيز از وقوع حوادث خبر داد؛ زيرا شخصى كه مثلاً به تجربه دريافته است كه هرگاه سگ او از پشت بام به داخل خانه آيد، در آن شب باران خواهد باريد، مى‏تواند به استناد به اين تجربه به طور يقين به بارش باران در آن شب حكم كند... رواياتى كه در باره عدم جواز تصديق منجّم آمده است مربوط به غير از اين مورد يا منصرف از اين مورد است...» . **[(33)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "85f33" \o " بلغة الطالب، ج1، ص99 و 100.)**  آشكار است كه اعتقاد به رابطه حركت فلكى با پديده‏ها اگر از گونه ارتباط بين كاشف و مكشوف باشد، هيچ كس نگفته كه چنين اعتقادى موجب كفر است. چنانكه شيخ انصارى به آن تصريح كرده و شيخ بهايى نيز در اين زمينه گفته است:  **[(32)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "8532) بلغة الطالب، ج1، ص99 و 100.**  **[(33)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "8533) المكاسب المحرّمه، ص25.** |   [85] |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | سال 13 ≈ شماره 49 |  |  | | | اگر منجمان بگويند اتصالات اجرام آسمانى و اوضاع خاصى كه در آنها پديد مى‏آيد، علامت پيدايش برخى از حوادث است كه خداوند متعال با قدرت واراده خود در اين جهان ايجاد مى‏كند، چنين اعتقادى اشكال ندارد و روايات وارد در صحت علم نجوم و جواز فراگيرى آن بر همين معنى حمل مى‏شود. **[(34)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "86f34" \o " همان، ص28.)**  سخن علامه حلى به روشنى مى‏رساند كه چنين اعتقادى خارج از موارد طعن علما بر منجمان است. منجمين دو دسته‏اند؛ برخى از آنان، ستارگان را فاعل مختار مى‏دانند و دسته‏اى ديگر ستارگان را فقط موجب مى‏دانند. **[(35)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "86f35" \o " همان، ص28.)**  سيد مرتضى ـ بنابر آنچه شيخ انصارى از او نقل مى‏كند ـ مى‏گويد:  در ميان منجمين كسى نيست كه معتقد باشد خداوند عادت را چنين قرار داده كه هنگام نزديك يا دور گشتن ستاره‏اى نسبت به ستاره ديگر، حوادثى رخ دهد بدون اين كه ستارگان در پيدايش آن تأثيرى داشته باشند. كسانى از منجمين كه امروز چنين عقيده‏اى داشته باشند رأيى بر خلاف اعتقاد منجمان پيشين دارند و اين رأى را براى نيكو جلوه دادن تنجيم نزد اهل اسلام، اظهار مى‏دارند. **[(36)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "86f36" \o " همان، ص28.)**  حاصل سخن آنكه اخبار و اعتقاد به پديد آمدن حوادثى در پى حركات فلكى بدون اعتقاد به رابطه عليت ميان آن دو، بلكه آنها را به اراده خداوند دانستن، بى اشكال بوده و تنجيم اصطلاحى نيست اگر چه لفظ تنجيم بر آن صدق مى‏كند.  برخى گفته‏اند كه حكم قطعى به نزول باران با مشاهده رفتار خاصى از حيوانات نيز داخل در تنجيم مذموم است كه در روايات از آن نهى شده است **[(37)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "86f37" \o " همان، ص28.)** در حالى كه چنين نيست و آنچه از آن منع شده ايمان به ستارگان و كفر به خداوند است. تنجم ممنوع، تنجيمى است كه به مقابله با افعال خداوند و خبرهاى غيبى او بينجامد. اما اين گونه پيشگويى‏ها از نوع تنجيم ممنوع نيست و ادله  **[(34)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "8634) همان، ص28.**  **[(35)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "8635) همان .**  **[(36)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "8636) همان.**  **[(37)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "8637) ارشاد الطالب، ج1، ص137.** |   [86] |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | تنجيم و ستاره‏شناسى |  |  | | | نهى از تنجيم اين موارد را در بر نمى‏گيرد، مضافاً كه بسيارى از اين روايات ضعيفند.  كسى در اين گونه موارد خبر قطعى بدهد به گونه‏اى كه موجب بى نيازى از استعانت به خدا و نفى تأثير دعا و صدقات شود، اين خبر از آن جهت كه مخالف با واضحات اسلام است، كفر به شمار مى‏آيد. اما مثال مذكور از اين قبيل نيست و اخبار قطعى بر اساس تجربه با تغييرات حاصل از دعا و اراده الهى منافاتى ندارد اگر چه سزاوار است كه از اين گونه احكام قطعى نيز اجتناب شود و پيش بينى به صورت تقريبى باشد؛ زيرا خطاى منجمان در محاسبه بسيار است و نمى‏توانند به همه عوامل و موانع حادثه احاطه داشته باشند، چنان كه در روايت ريان بن صلت از امام رضا(ع) در پاسخ سؤال وى از علم نجوم آمده است: «علم نجوم در اصل صحيح است... ولى از آنجا كه منجمان نتوانسته‏اند به تمام ظرايف و دقايق آن دست بيابند، راست و دروغ را درهم آميختند. **[(38)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "87f38" \o " جامع الأحاديث، ج17، ص226.)**  شيخ انصارى مى‏گويد:  «مجرد اين كه ستارگان، نشانه‏ها و راهنمايانى براى حوادث هستند، كافى نيست و با عدم احاطه منجمان به اين علايم و معارضات آنها، نه تنها حكم آنان نمى‏تواند قطعى باشد، بلكه نمى‏تواند ظنى هم باشد... بنابراين بهتر است از پيش بينى اجتناب كرد و اگر هم كسى خواست پيش بينى كند بايد به صورت تقريبى باشد نه قطعى، مثلاً گفته شود: بعيد نيست هنگام طلوع فلان ستاره فلان اتفاق رخ دهد» **[(39)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "87f39" \o " جامع الأحاديث، ج17، ص226.)**.  نتيجه اينكه تنجيم به معناى دوم نيز اشكال ندارد.  3. اخبار از حوادث با اعتقاد به حيات افلاك و عدم استقلال آنها در تأثير بر رويدادهاى زمينى.  اگر اخبار از رويدادهاى زمينى با استناد به تأثير ستارگان و رابطه اجرام آسمانى و حوادث زمينى و اعتقاد به حيات و فاعليت افلاك باشد ـ چه فاعل مختار و چه فاعل موجب  **[(38)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "8738) جامع الأحاديث، ج17، ص226.**  **[(39)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "8739) المكاسب المحرّمه، ص28 و 29.** |   [87] |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | سال 13 ≈ شماره 49 |  |  | | | ـ ولى خدا را مؤثر اوّل بداند، آيا چنين خبردهى، كفر به شمار مى‏آيد؟  شيخ انصارى مى‏گويد:  ظاهر بيشتر عبارت فقها اين است كه، چنين اخبارى كفر است، شايد وجه كفر آن، اين باشد كه نسبت دادن افعالى كه به حكم ضرورت دين مستند به خداوند مى‏باشند مانند آفرينش و رزق و زنده كردن و ميراندن، به غير خداوند، مخالف ضرورت دين است. ظاهر سخن شهيد در قواعد، عدم كفر است. وى مى‏گويد: «اگر كسى معتقد باشد كه ستارگان اين كارها را انجام مى‏دهند ولى مؤثر اصلى را خدا بداند در اين صورت آن شخص خطاكار است، زيرا نه به دليل عقلى و نه دليل نقلى، حيات براى ستارگان اثبات نشده است».  ظاهر عبارت شهيد اين است كه عدم قول به كفر به واسطه عدم مقتضى ـ دليل ـ است نه وجود مانع يعنى مخالفت با ضرورى دين. پس كفر او ممكن است ولى وقوع آن براى ما معلوم نيست.  شايد دليل اين قول آن باشد كه ضرورى دين، نسبت ندادن اين افعال به فاعلى مختار و مستقل و مغاير با اختيار خداوند است ـ چنانچه ظاهر قول مفوضه همين است ـ اما استناد اين افعال به فاعل مختارى كه فاعليت او به اراده خدا و اختيار او عين مشيت و اختيار خداست و او به منزله ابزار با شعورى عمل مى‏كند و فعل او فعل خداست، چنين استنادى مخالف ضرورى دين نيست؛ زيرا مخالف ضرورى دين، انكار استناد حقيقى فعل به خداست، نه استناد فعل به غير خدا اما به گونه‏اى كه فعل خدا نيز بر آن صدق كند.  بلى، گفته شهيد اوّل مبنى بر فقدان دليل براى اثبات كفر، حق است، بنابراين نسبت دادن اين افعال به ستارگان، سخنى خلاف واقع و نسبت دادن فعل خدا به غير خدا بدون دليل بوده كه قبيح است [اما كفر نيست].  مأخذ سخن شهيد اوّل روايتى است كه در احتجاج از هشام بن حكم نقل شده كه وى گفته است: زَنديقى از امام صادق(ع) پرسيد چه مى‏گوييد در مورد كسى كه |   [88] |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | تنجيم و ستاره‏شناسى |  |  | | | مى‏پندارد تدبيرى كه در اين عالم وجود دارد، تدبير ستارگان هفت گانه مى‏باشد؟ حضرت پاسخ داد: «اينان نيازمند دليلى هستند تا بدان اثبات كنند كه اين عالم اكبر و عالم اصغر به تدبير ستارگانى اداره مى‏شود كه خود در فلك حركت كرده و در مدار آن مى‏چرخند و هيچ گاه از چرخش خسته نشده و باز نمى‏ايستند.  سپس حضرت فرمود: «و أنّ لكلّ نجم منها موكّل مدبّر، فهي بمنزلة العبيد المأمورين المنهيين؛ فلو كانت قديمة أزليّة لم تتغيّر من حال إلى حال؛ بر هريك از اين ستارگان موكلّى است كه تدبير آن را برعهده دارد و همچون فرمانبرانى امر و نهى مى‏شوند. همانا اگر ستارگان قديم و ازلى بودند حالت آنها تغيير نمى‏كرد.» **[(40)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "89f40" \o " الاحتجاج، ص2، ص94.)**  ظاهراً معناى سخن امام كه فرموده است: «ايشان مانند بندگانى فرمانبر بوده كه امر و نهى مى‏پذيرند» اين است كه ستارگان در حركات خود فرمانبرند، نه اين كه خودشان مأمور تدبير جهان باشند.  سپس شيخ انصارى مى‏افزايد:  خلاصه سخن اين كه: كافر بودن شخصى كه معتقد به وجود ارتباط بين پديده‏ها و افلاك براين وجه باشد از اخبار به دست نمى‏آيد، همچنين مخالفت اين ا عتقاد با ضروريات دين نيز ثابت نشده است؛ چرا كه مراد از ربط، عليت تامه نيست. **[(41)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "89f41" \o " الاحتجاج، ص2، ص94.)**  فرق وجه دوم و سوم روشن است؛ زيرا در وجه سوم رابطه‏اى كه بين حوادث زمينى و اجرام آسمانى فرض شد، در وجه دوم وجود ندارد. اعتقاد به ارتباط مذكور در وجه سوم موجب كفر نيست، فقط دليلى بر اثبات ارتباط مذكور وجود ندارد. همچنين خبردادن از اين ارتباط اگر مستند به محاسبات باشد ـ چه قطعى و چه ظنى ـ مانعى ندارد. البته اين گونه  **[(40)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "8940) الاحتجاج، ص2، ص94.**  **[(41)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "8941) المكاسب المحرّمه؛ ص27.** |   [89] |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | سال 13 ≈ شماره 49 |  |  | | | خبر دهى بايد با تأثير دعا و صدقات منافات نداشته باشد و گرنه مخالف ضرورى دين است. اما اگر خبر دهى مستند به محاسبات نباشد، بلكه شبيه اخبار كاهنان باشد، شايد جايز نباشد؛ زيرا مشمول روايات تشبيه منجّم به كاهن مى‏شود.  4. پيشگويى بدون اعتقاد به حيات افلاك  اگر شخصى كه خبر مى‏دهد، حوادث زمينى را مستند به اجرام آسمانى بداند و معتقد به وجود رابطه‏اى بين آن‏ها باشد، ولى ستارگان را مستقل يا شريك در تأثير نداند و آنها را زنده نپندارد، همچنان كه سوزاندن را به آتش نسبت مى‏دهند، آيا اين گونه خبر دهى جايز است؟  فرق بين وجه سوم و چهارم آشكار است؛ زيرا در وجه چهارم بر خلاف وجه سوم حياتى براى افلاك فرض نمى‏شود.  استناد نيازمند دليل است. استناد برخى از امور تكوينى به اجرام آسمانى، دليل بر استناد امور ديگر به آنها نمى‏شود.  اگر شخصى معتقد به وجود رابطه‏اى ميان حوادث زمينى و اجرام آسمانى ـ مانند رابطه بعضى از اشياى زمينى با يك ديگر ـ باشد، ولى خداوند را مؤثر اصلى بداند و منكر تأثير دعا و صدقات بر اين روابط نباشد، چنين اعتقادى موجب كفر نيست و اشكال ندارد.  شيخ انصارى مى‏گويد: «ظاهر كلمات بسيارى از فقهاى پيشين آن است كه اين اعتقاد هم كفر است»، سپس بر آن چنين اشكال مى‏كند:  شهيد اوّل در كتاب قواعد گفته است: «اعتقاد به استناد افعال به كواكب ـ همانند استناد سوزاندن به آتش ـ بدين معنى كه عادت خداوند متعال بر اين رفته كه هرگاه ستارگان به شكل يا وضع ويژه باشند كارى را كه بديشان نسبت داده مى‏شود، انجام مى‏دهند و ارتباط دادن اين مسببات به اجرام آسمانى؛ مانند ربط آثار داروها و غذاها به آنها ربط مجازى و عادى و نه ربط عقلى حقيقى باشد، اين اعتقاد موجب كفر معتقد نمى‏شود، ولى خطاست گرچه خطايش از قسم اوّل كمتر است، زيرا وقوع اين آثار از ستارگان هميشگى و زياد نيست. |   [90] |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | تنجيم و ستاره‏شناسى |  |  | | | سپس شيخ انصارى در توضيح تعليل مطلب شهيد اوّل ـ «زيرا وقوع اين آثار...» ـ مى‏گويد:  اين تعليل اشاره به ثابت نبودن ربط عادى است زيرا وقوع چنين حوادثى نه به صورت حسى؛ مانند حرارت ناشى از آتش يا خورشيد، ثابت نشده است و نه به صورت عادت دايم يا غالب؛ زيرا علم به تكرار زياد اين حوادث وجود ندارد و بر فرض علم باشد، دلالتى بر تأثير حركت ستارگان بر حوادث ندارد، شايد تأثير بر عكس باشد يا هردو مستند به مؤثر سومى باشند. خلاصه مقتضاى روايت «أبى اللّه‏ أن يجري الأشياء إِلاّ بأسبابها»، اين است كه هر حادثى، مسبب است، اما اين كه سبب آن حركت فلكى يا چيز ديگر است، ثابت نيست. به علاوه اگر هم چنين چيزى را بپذيريم، مخالفت آن با ضروريات دينى ثابت نيست. در پاره‏اى از روايات ظهور در تأثير ستارگان دارد؛ مانند سخن امام صادق(ع) به منجّم يمنى كه فرمود: «... اسم ستاره‏اى كه چون برآيد شتر به هيجان مى‏آيد، چيست؟» گفت: نمى‏دانم، حضرت فرمود: «راست گفتى.» بگو نام ستاره‏اى كه با طلوعش، گاوها تحريك مى‏شوند، چيست؟» گفت: نمى‏دانم. حضرت فرمود: «راست گفتى.» بگو نام ستاره‏اى كه هرگاه پديدار گردد سگان تحريك مى‏شوند، چيست؟ گفت: نمى‏دانم، حضرت فرمود: «راست گفتى كه نمى‏دانى...» **[(42)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "91f42" \o " بحار الانوار، ج58، ص219.)** و روايات ديگرى كه از اين دست وجود دارد. **[(43)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "91f43" \o " بحار الانوار، ج58، ص219.)**  واضح است كه نمى‏توان تأثير داروها و غذاها و ديگر عناصر زمينى را انكار كرد، بلكه بعضى از تأثيرات اجرام آسمانى را نيز نمى‏توان انكار كرد، مانند تأثير ماه و برخى ستارگان بر جزرومد، شكل‏گيرى ميوه‏ها، رشد درختان، تقويت خاك و... .  نتيجه اين كه فرقى بين تأثير اجرام آسمانى و تأثير عوامل زمينى در پيدايش رويدادها، نيست و همان گونه كه دومى بااعتقادات و ضروريات دينى مخالفتى ندارد اوّلى نيز چنين است.  **[(42)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "9142) بحار الانوار، ج58، ص219.**  **[(43)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "9143) المكاسب المحرّمه، ص27 و 28.** |   [91] |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | سال 13 ≈ شماره 49 |  |  | | | اين سخن كه تأثير افلاك در حوادث زمينى موجب مخالفت باضروريات دينى همچون دعا و صدقه و توكل مى‏شود به دو دليل مردود است:  اوّلاً، ضرورى دينى ـ همانطور كه محقق ايروانى به آن اشاره كرده ـ تأثير دعا وصدقه فى الجمله است نه در هر مقام، و لذا تخلف از آن را در بسيارى از موارد مشاهده مى‏كنيم، اين مورد هم ممكن است يكى از موارد تخلف باشد. اعتقاد به تخلف تأثير دعا و صدقه در موردى، با ضرورى دين منافات ندارد، و همانطور كه بعد از حصول تخلف اعتقاد به تخلف حاصل مى‏شود، در اين مورد قبل از حصول تخلف حاصل شده است. **[(44)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "92f44" \o " التعليقه، ص24.)**  ثانياً، اگر شخصى به صورت قطعى خبر وقوع چيزى را بدون احتمال هيچ گونه تغييرى به واسطه دعا و صدقه و مانند آن در همه موارد، بدهد با ضروريات دينى مخالفت كرده است. علاوه بر آنكه با احتمال تغيير حوادث با دعا و صدقه جايى براى ادعاى قطع نيست.  بنابراين خبر از حوادثى كه مقتضاى حركت ستارگان است همچون خبر از حوادثى كه مقتضاى عوامل زمينى است، اگر مستند به محاسبه بوده و قصد مخبر غيبگويى نباشد، مشمول روايات نهى از تنجيم نيست.  پس مجرد اعتقاد به تأثير اجرام آسمانى با اعتقاد به اين كه مؤثر اصلى فقط خداست، بدون نفى احتمال تأثير دعاو غير آن، موجب كفر نبوده و حرام نيست.  5. اخبار همراه با اعتقادى كه با ايمان به خدا و وحدانيت الهى ناسازگار است.  آيا، خبر دادن از پيشامدها و نسبت دادن آنها به حركت ستارگان، مستقلاً يا آنها را شريك در تأثير دانستن به نحوى كه با وجود خداوند و يا وحدانيت او منافات داشته باشد، جايز است؟  شيخ انصارى مى‏گويد:  «... اين همان تنجيم مصطلح است و ظاهر همه فتاوى و نصوص بر حرمت مؤكّد آن دلالت دارد.  **[(44)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "9244) التعليقه، ص24.** |   [92] |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | تنجيم و ستاره‏شناسى |  |  | | | سيد مرتضى مى‏گويد: چگونه ممكن است بطلان احكام نجومى بر فرد مسلمان مشتبه شود در حالى كه مسلمانان در گذشته و حال اجماع بر تكذيب منجمين و فساد مذهب و باطل بودن احكامشان داشته‏اند؟ آنچه از دين پيامبر(ص) به دست مى‏آيد ضرورت تكذيب ادعاى منجمين و تحقير آنان و عاجز نمودنشان در بحث است. رواياتى كه از پيامبر اكرم(ص) و نيز از علماى اهل بيت او و برگزيدگان اصحابش در اين باره نقل شده، بى شمار است. ايشان پيوسته از مذهب منجمان بيزارى جسته و آن را گمراهى و محال مى‏شمردند. چگونه ممكن است كسى كه خود را منتسب به امت اسلامى دانسته و روبه قبله نماز مى‏گزارد بر خلاف آنچه در دين اسلام بدين پايه از شهرت رسيده، اصرار ورزد؟  علامه حلى در منتهى ـ بعد از فتوى به تحريم تنجيم و يادگيرى آن با اين اعتقاد كه ستارگان در نفع و ضرر انسان مؤثر مستقل بوده يا مدخليتى در تأثير دارند ـ مى‏گويد: «هركس معتقد باشد كه حركات نفسانى و حركات طبيعى به حركات افلاك و اوضاع ويژه ستارگان وابسته مى‏باشد، كافر خواهد بود».  شهيد اوّل در كتاب قواعد مى‏گويد:  «هركس اعتقاد داشته باشد كه ستارگان مدبر و خالق عالم مى‏باشند، بدون شك كافر است».  محقق كركى در جامع المقاصد آورده است:  «تنجيم در صورت اعتقاد به اين كه ستارگان در موجودات زمينى تأثير مى‏گذارند يا دخالت در تأثير دارند، حرام است. همچنين يادگيرى نجوم بدين صورت كه گفته شد، حرام است. بلكه اين گونه اعتقاد به خودى خود كفر است».  شيخ بهايى گفته است:  آنچه كه منجمين مى‏پندارند، يعنى ارتباط برخى از حوادث زمينى با اجرام آسمانى اگر بدين صورت باشد كه آنها را علت موثر در اين حوادث بدانند، چه |   [93] |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | سال 13 ≈ شماره 49 |  |  | | | به نحو استقلال و چه به نحو شركت در تأثير، چنين اعتقادى براى شخص مسلمان روا نيست، و علم نجومى كه مبتنى بر اين باشد كفر است. اخبارى كه از علم نجوم منع كرده واعتقاد به صحت آن را نهى نموده، بر همين معنا حمل مى‏شود».  در بحار الانوار آمده است: «در ميان امت اسلامى اختلافى در اين جهت نيست كه هركس معتقد باشد كه ستارگان مدبّر اين عالم بوده و پديد آورنده حوادث و خيرات و شرور مى‏باشند، به طور مطلق كافر است».  و در جاى ديگر از بحارالانوار آمده است: «قائل بودن به اين كه كواكب علت فاعلى با اراده و اختيارند اگر چه تأثير گذارى آنها متوقف بر شرايطى ديگر باشد، كفر محسوب مى‏شود».  ظاهر عبارت وسايل، ادعاى ضرورت دين بر بطلان تنجيم و كفر معتقدين به آن را به همه علماى اماميه نسبت مى‏دهند، آنجا كه مى‏گويد: «علماى ما صراحتاً ابراز داشته‏اند كه علم نجوم و عمل به آن حرام بوده و هركس معتقد به تأثير ستارگان يا مدخليت ستارگان در تأثير باشد، كافر است و اين از ضروريات دين مى‏باشد، بلكه از سخن ابن ابى الحديد نيز بر مى‏آيد كه نزد علماى اهل سنت هم، حكم همين است و در شرح نهج البلاغه مى‏گويد: ابطال حكم منجمان و حرام بودن اعتقاد به آن و نهى و منع از تصديق منجمان از احكام ضرورى دين شناخته مى‏شود. اين است معناى سخن اميرالمؤمنين(ع) كه خطاب به منجّم فرمودند: «هركس تو را در اين ادعا(كه ساعت خير و شر را مى‏دانى) تصديق كند، قرآن را تكذيب كرده و خود را از استعانت به خدا بى نياز مى‏داند». **[(45)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "94f45" \o " المكاسب المحرّمه، ص25 و 26.)**  پس كسى كه اعتقاد به استقلال اجرام آسمانى يا مدخليت آنها در تأثير داشته به نحوى  **[(45)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "9445) المكاسب المحرّمه، ص25 و 26.** |   [94] |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | تنجيم و ستاره‏شناسى |  |  | | | كه با اعتقاد به مبدأ متعال و يا وحدانيت او منافات داشته باشد بدون شك كافر است و خبر دادن آنها هم اظهار كفر است.  از ظاهر برخى عبارات ياد شده بر مى‏آيد كه اعتقاد به تأثير اگر چه به نحو استقلالى يا اشتراكى هم نباشد، بلكه مانند تأثير عوامل زمينى در طول تأثير اراده الهى باشد، نيز مشمول نهى است.  اشكال اين برداشت آشكار است؛ زيرا اين اعتقاد محال نيست و و به خودى خود كفر محسوب نمى‏شود؛ چرا كه در طول علّيت بارى تعالى قرار دارد. بلى ادعاى لزوم كفر از جهت كيفيت خبردهى به صورتى كه تأثير دعا را نفى كرده و مستلزم بى نيازى از استعانت به خدا در جلب خير و رفع شر باشد، بى راه نيست، زيرا اجمالاً با ضرورى دين در تأثير دعا منافات دارد.  پس هيچ دليلى بر حكم به كفر هركس كه به تأثير ستارگان معتقد است، وجود ندارد، بلكه كافر كسى است كه معتقد به تأثير ستارگان به گونه‏اى است كه خدا را انكار مى‏كند، يا معتقد به قديم بودن اجرام آسمانى و تأثير آن‏ها باشد، يا اعتقاد به حدوث آنها ولى تفويض امور به آنها و بسته بودن دست خدا در امور دارد.  در كفر بودن اين عقايد هيچ اشكالى نيست؛ زيرا انكار مبدأ كفر است. اعتقاد به تعدد قدما و نيز اعتقاد به هرگونه تفويض و دادن استقلال به مخلوقات شرك است. اما قائل به يكى از عقائد سه گانه مذكو نباشد، بلكه معتقد به حركت افلاك طبق اراده الهى بوده و آن را از مظاهر اراده الهى، يا اختيار آنها را عين اختيار خداوند بداند، عقيده او مستلزم هيچ كفر و شركى نخواهد بود.  شايد ظاهر قول سيد مرتضى كه گفته است: «علما و اصحاب پيوسته از مذهب منجمان دورى جسته و آن را گمراهى و محال مى‏شمردند» اختصاص به همين عقايد سه گانه مذكور دارد. بنابراين نمى‏توان گفت در آراى قدما، تنجيم به طور مطلق منع شده است؛ زيرا ضلال و محال در همان صور سه گانه منحصر است، بلكه كلام شهيد و علامه نيز با قرينه ساير كلماتشان به همان صور سه گانه حمل مى‏شود. همچنين قول محقق ثانى |   [95] |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | سال 13 ≈ شماره 49 |  |  | | | كه فرمود: «بلكه اين اعتقاد به خودى خود كفر است» قرينه‏اى است بر اين كه مراد همان عقايد سه گانه است، زيرا اين عقايد است كه به خودى خود كفر به شمار مى‏آيد.  به هر حال، هيچ اجماعى بر حرمت اعتقاد به تأثير افلاك خارج از صور سه گانه مذكور وجود ندارد. البته شيخ انصارى در جواز غير صور سه گانه نيز چنين اشكال كرده است كه: «از ظاهر برخى اخبار كه در آن آمده است: منجّم به منزله كاهن است و كاهن به منزله جادوگر و جادوگر به منزله كافر است، بر مى‏آيد كه غير از صورسه گانه مذكور را نيز در بر مى‏گيرد؛ زيرا آشكار است كه اين سه گروه از كافرترين كافرانند نه به منزله كافرانند». **[(46)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "96f46" \o " همان، ص26.)**  ظاهر سخن شيخ انصارى اين است كه اعتقاد به تأثير حركات فلكى بر حوادث زمينى جايز نيست اگر چه اعتقاد به هيچ يك از سه وجه مذكور مستلزم كفر نباشد؛ زيرا صاحب چنين اعتقادى مشمول روايات تشبيه منجّم به كاهن است.  در پاسخ مى‏توان گفت: تشبيه منجّم به كاهن از جهت غيبگويى است نه صرف خبردهى از اقتضائات گردش ستارگان به استناد محاسبات. فرق ميان كاهن و اين گونه منجّم فقط آن است كه كاهنان اخبار خود را به جنّ نسبت مى‏دهند و منجمان به ستارگان و طالع. اين خبردهى اگر چه فى نفسه كفر نيست، ولى به منزله كهانت بوده و حرام است يا حداقل مشكوك است. بنابراين، روايت مذكور صرف اعتقاد به تأثير ستارگان مبتنى بر محاسبه را كه شبيه اخبار كاهنان نيست، در بر نمى‏گيرد.  بله، حكم قطعى به وقوع مقتضيات حركت ستارگان جايز نيست؛ زيرا در روايات از جهت اينكه با ضرورت تأثير دعا و توكل و صدقه منافات دارد و مستلزم بى نيازى از استعانت به خدا است از آن منع شده است.  صاحب جواهر نيز فقط اين صورت را از مورد نهى استثنا كرد كه اوضاع فلكى اماره‏اى باشد بر جريان عادى فعل خدا در اين عالم كه تغيير آن با صدقه و دعا ممكن است. **[(47)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "96f47" \o " همان، ص26.)**  **[(46)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "9646) همان، ص26.**  **[(47)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "9647) جواهر الكلام، ج22، ص106.** |   [96] |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | تنجيم و ستاره‏شناسى |  |  | | | اين استثنا بى وجه است؛ زيرا ميان اين صورتى كه وى استثنا كرده و صورتى كه اعتقاد به تأثير ستارگان به نحوى باشد كه منافاتى باتأثير صدقه و دعا نداشته باشد، فرقى وجود ندارد.  نتيجه اين كه: مجرد اعتقاد به تأثير ستارگان و اخبار از آن موجب كفر نيست، پس لازم است عقايد منجّم را ملاحظه كرد، اگر با يكى از موجبات كفر همچون انكار صانع، انكار وحدانيت خدا، انكار بقاى تدبير خدا، انكار يكى از ضروريات دينى باشد، حكم به كفر او مى‏شود و گرنه دليلى بر كفر او وجود ندارد اگر چه اخبار او شبيه غيبگويى كاهنان بوده و حرام باشد، بلكه نظر و اعتقاد و اخبار او اگر به نحو اخبار كاهنان نبوده و به صورت قطعى نيز نباشد كه با تأثير دعا منافات داشته باشد، جايز بوده و اشكالى ندارد.  برخى مى‏گويند : مقتضى اطلاق نهى از تنجيم، حرمت آن است، چنان كه در خبر قاسم بن عبدالرحمان آمده است كه پيامبر اكرم(ص) از برخى خصلتها نهى فرمودند؛ از جمله از نظر در نجوم. **[(48)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "97f48" \o " وسائل الشيعه، ج12، ص103، باب 24 از ابواب مايكتسب به، ح5.)** همچنين در خبر نصربن قابوس آمده است: «منجّم ملعون است، و كاهن ملعون است و ساحر ملعون است». **[(49)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "97f49" \o " وسائل الشيعه، ج12، ص103، باب 24 از ابواب مايكتسب به، ح5.)**  در پاسخ مى‏توان گفت: اين روايات بر مواردى كه موجب كفر، يا مستلزم انكار ضروريات دين، يا تشابه با اخبار كاهنان باشد، حمل مى‏شود، اما غير از اين موارد به اقتضاى جمع ميان اين روايات و روايات جواز نظر در نجوم، جايز است. علاوه بر اين، دو روايت قاسم بن عبدالرحمن و نصربن قابوس، اطلاق ندارند.  روايت اوّل در صدد بيان خصلتهاى ناپسند و دومى در صدد شمارش ملعونين است.  حاصل آنكه اخبار نهى كننده از نجوم يا به امورى بر مى‏گردد كه موجب كفر است،مانند: انكار خدا يا يگانگى يا تدبير خدا، ايمان به نجوم و تكذيب قَدَر الهى **[(50)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "97f50" \o " وسائل الشيعه، ج12، ص103، باب 24 از ابواب مايكتسب به، ح5.)**، پندار منجّم كه مى‏تواند با علم خود قضاى الهى را برگرداند **[(51)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "97f51" \o " وسائل الشيعه، ج12، ص103، باب 24 از ابواب مايكتسب به، ح5.)** يا به اخبار قطعى از غيب همچون كاهنان  **[(48)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "9748) وسائل الشيعه، ج12، ص103، باب 24 از ابواب مايكتسب به، ح5.**  **[(49)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "9749) همان. ح7.**  **[(50)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "9750) همان، ج8، ص270، باب 14 از ابواب آداب السفر إلى الحج، ح6.**  **[(51)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "9751) همان، ج12، ص104، ح10.** |   [97] |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | سال 13 ≈ شماره 49 |  |  | | | انكار تأثير دعا بر مى‏گردد. **[(52)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "98f52" \o " همان، ح8؛ جواهر الكلام، ج22، ص89 و 91؛ وسائل الشيعه، ج8، ص271، ح8 و ص270، ح5 و ص 268، ح1.)**  پس موضوع نهى شده در روايات اختصاص به همين موارد مذكور دارد و نظر كردن در ستارگان و يادگيرى و آموزش و خبردادن از تأثير آنها به اذن خدا نه به صورت قطعى، هيچ مانعى ندارد، چه حركات فلكى را اماره حوادث بداند و چه مؤثر؛ زيرا اين خارج از موضوع نهى در روايات است.  علاوه بر اين، اخبارى وجود دارد كه بر جواز نجوم دلالت مى‏كند و آنها را در اوايل بحث ذكر كرديم، مانند سخن امام صادق(ع) در جواب عبدالرحمان بن سيابه كه از حضرت(ع) سؤال كرد: مردم مى‏گويند، نگريستن در نجوم جايز نيست، و حال آنكه اين عمل بسيار خوشايند من است. اگر مضر به دين من است، هرگز به چيزى كه به دينم زيان رساند نياز ندارم و اگر ضررى به دينم نمى‏زند، بسيار به آن علاقه مندم.  حضرت صادق(ع) در پاسخ فرمود:  «ليس كما يقولون، لاتضرّ بدينك... إنكم تنظرون في شيء منها كثيره لايدرك و وقليله لاينتفع به؛  اين گونه نيست كه مى‏گويند، نجوم ضررى به دينت نمى‏رساند... شما در چيزى مى‏نگريد كه بسيارش قابل درك نيست و اندكش فايده‏اى ندارد». **[(53)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "98f53" \o " همان، ح8؛ جواهر الكلام، ج22، ص89 و 91؛ وسائل الشيعه، ج8، ص271، ح8 و ص270، ح5 و ص 268، ح1.)**  پر واضح است كه عبدالرحمن بن سيابه كه نگران سلامت دين خود بود، اعتقادى به تأثير ستارگان به صورت استقلالى يا اشتراكى ـ كه با مبدأ متعال يا وحدانيت او مخالف باشد، نداشته است، و با توجه به اينكه امام به او گفته بود: بسيارش قابل درك نيست، ممكن نبود كه وى اخبار قطعى بدهد.  ابن ابى عمير مى‏گويد: مدتها بود در ستارگان مى‏نگريستم و بر آن‏ها آگاه بودم و طالع را مى‏شناختم،  **[(52)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "9852) همان، ح8؛ جواهر الكلام، ج22، ص89 و 91؛ وسائل الشيعه، ج8، ص271، ح8 و ص270، ح5 و ص 268، ح1.**  **[(53)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "9853) همان، ج12، ص102، باب 24 از ابواب مايكتسب به، ح1.** |   [98] |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | تنجيم و ستاره‏شناسى |  |  | | | گاهى از اين كار احساس بدى در دلم خطور مى‏كرد، تا اين كه به امام موسى بن جعفر(ع) شكايت بردم، حضرت فرمودند:  «وقتى چيز بدى به دلت خطور كرد به اوّلين مسكينى كه ديدى صدقه بده، سپس بگذر، خداوند آن را از تو دفع خواهد كرد. **[(54)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "99f54" \o " من لايحضره الفقيه، ج2، ص269.)**  روشن است كه ابن ابى عمير اعتقاد كفرآميزى نداشته، با قطع و جزم هم حكم نمى‏كرده، مانند كاهنان خبر از غيب آن هم با قطع و يقين نمى‏داده، منكر تأثير صدقات هم نبوده است، و لذا امام وى را به صدقه امر كرده و از نظر در ستارگان منع نفرمود.  روايات فراوانى هم بر آن دلالت دارد كه علم نجوم ـ به خودى خود درست است و تأثير ستارگان در پديده‏هاى زمينى حقيقت دارد، ولى از دسترس علم بشرى خارج است و در آن بسيار دچار خطا مى‏شوند.  امام صادق(ع) مى‏فرمايند:  «إنّ أصل الحساب حق ولكن لايعلم ذلك إلاّ من علم مواليد الخلق كُلّهم؛  همانا اصل حساب نجوم حق است اما آن را جز خدايى كه آگاه به شمار مخلوقات و زمان تولد هريك مى‏باشد نمى‏داند». **[(55)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "99f55" \o " من لايحضره الفقيه، ج2، ص269.)**  از ظاهر اين روايات استفاده مى‏شود، از آن جا كه علم نجوم هميشه با واقعيت تطابق نمى‏كند اعتقاد و اخبار نجومى از روى يقين و قطع جايز نخواهد بود و بسيارى از محذورات به همين نكته بر مى‏گردد. اگر كسى فزونى اشتباهات در نجوم را بداند، نبايد به طور قطع و يقين از نجوم خبر دهد يا به آن معتقد باشد.  صاحب جواهر مى‏گويد:  نظر كردن و فراگيرى و آموزش علم نجوم هيچ اشكالى ندارد. مى‏توان براساس قواعد صحيح اين علم از حوادث خبر داد البته نه به طور جزم و يقين، بلكه به اين معنى كه جريان عادت بر اين است كه در فلان حالت فلان حادثه اتفاق خواهد افتاد». **[(56)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "99f56" \o " من لايحضره الفقيه، ج2، ص269.)**  **[(54)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "9954) من لايحضره الفقيه، ج2، ص269.**  **[(55)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "9955) وسائل الشيعه، ج12، ص102، باب 24 از ابواب ما يكتسب به، ح2.**  **[(56)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "9956) جواهر الكلام، ج22، ص108.** |   [99] |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | سال 13 ≈ شماره 49 |  |  | | | در بلغة الفقيه آمده است:  خبر دهى منجّم از آثار افلاك اگر ظنى باشد و احتمال خلاف آن داده شود، اشكالى ندارد، بلكه اخبار قطعى هم صحيح است. اگر منجّم معتقد باشد و اظهار كند كه خداوند هر چه را بخواهد از بين مى‏برد و يا نگه مى‏دارد و علم كتاب فقط نزد اوست. اگر منجّم خبر يقينى بدون احتمال خلاف بدهد، اين همان سحر و كهانت و تنجيمى است كه در روايات تحريم شده و تكذيب قرآن و پيامبر است. **[(57)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "100f57" \o " بلغة الطالب، ج1، ص100.)**  **چند مسأله مرتبط با تنجيم**  1. آيا تصديق منجّم و ترتيب اثر دادن به سخن او جايز است؟  اگر اخبار منجّم كفرآميز باشد مانند استقلال يا اشتراك اجسام آسمانى در تأثير، يا تفويض تأثير به اجرام آسمانى بعد از خلقتشان؛ تصديق و ترتيب اثر دادن به سخن او جايز نخواهد بود، بلكه تصديق قلبى مساوى كفر است.  همچنين تصديق منجمى كه خبراز تأثير اجرام به صورت يقينى مى‏دهد اگر چه آن‏ها را مخلوق خداوند و فقط او را مؤثر اصلى بداند؛ جايز نيست؛ زيرا خبر يقينى با ضروريات دينى؛ همچون تأثيردعا و صدقات و امثال آنها منافات دارد، بلكه اگر متوجه باشد اين خبر منجر به انكار يكى از ضروريات دين مى‏شود تصديقش موجب كفر است.  همچنين اگر خبردهنده از امورى در حالات خاص فلكى خبر دهد، چه با اعتقاد به تأثير ستارگان و چه بدون آن، ـ مانند غيب گويى كاهنان ـ چنين تنجيمى و لو عملاً جايز نيست؛ زيرا در روايات از آن منع شده است، از جمله:  در روايتى به نقل از عبداللّه‏ بن عوف بن الاحمر آمده است:  لما أراد أميرالمؤمنين (ع) المسير إلى أهل النهروان أتاه منجّم، فقال: يا اميرالمؤمنين لاتسر في هذه الساعة و سرفي ثلاث ساعات يمضين من النهار،  **[(57)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "10057) بلغة الطالب، ج1، ص100.** |   [100] |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | تنجيم و ستاره‏شناسى |  |  | | | فقال له أمير المؤمنين: و لِمَ؟ قال: لأنّك إن سرت في هذه الساعة أصابك و أصاب أصحابك أذىً و ضرّ شديد، و إن سرت في الساعة التي أمرتك ظفرت و أصبت كلّ ما طلبت، فقال أميرالمؤمنين (ع): تدري ما في بطن هذه الدابّة أذكرٌ أم أنثى؟ قال: إن حسبت علمت. فقال أميرالمؤمنين (ع): من صدّقك على هذا القول فقد كذّب بالقرآن: «إن الله عنده علم الساعة و ينزل الغيث و يعلم ما في الأرحام و ما تدري نفس ما ذا تكسب غداً و ما تدري نفس بأيّ أرض تموت إن اللّه‏ عليمٌ خبيرٌ» **[(58)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "101f58" \o " لقمان، آيه 34.)**.  ما كان محمد (ص) يدعى ما ادّعيت، أتزعم أنّك تهدي إلى الساعة التى من صارفيها صرف عنه السؤ و الساعة التي من صار فيها حاق به الضر! من صدّقك بهذا استغنى بقولك عن الاستعانة باللّه‏ في ذلك الوجه، و أحوج إلى الرغبة إليك في دفع المكروه عنه، و ينبغي أن يوليّك الحمد دون ربّه عزّ وجلّ، فمن آمن لك بهذا فقد اتّخذ من دون اللّه‏ ضدّاً و ندّاً ـ ثمّ قال: ـ اللهم لاطير إلاّ طيرك ولاضير إلاضيرك، ولاخير إلاّ خيرك، ولا إله غيرك ـ ثمّ التفت إلى المنجّم و قال: ـ بل نكذّبك و نسير في الساعة التي نهيت عنها»؛ **[(59)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "101f59" \o " لقمان، آيه 34.)**  هنگامى كه حضرت اميرالمؤمنين(ع) قصد حركت به سوى اهل نهروان را داشتند منجمى خدمت آن حضرت آمد و گفت: در اين ساعت حركت نكن بلكه تا سه ساعت بعد از ظهر آن را به تأخير بينداز، سپس حركت كن. حضرت به او فرمودند: براى چه؟ آن شخص گفت: زيرا اگر در اين ساعت حركت كنيد به شما و اصحاب شما ضرر و زيان شديدى خواهد رسيد ولى اگر در ساعتى كه من گفتم حركت كنيد موفقيت و كاميابى با شماست و به مطلوبتان خواهيد رسيد. حضرت فرمودند: آيا مى‏دانى بچه داخل رحم اين حيوان نر است يا ماده؟ گفت: اگر حساب كنم مى‏گويم. حضرت فرمودند: هركس تو را در اين سخن تصديق كند هر آينه قرآن را تكذيب كرده است؛ زيرا قرآن مى‏فرمايد: «علم  **[(58)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "10158) لقمان، آيه 34.**  **[(59)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "10159) وسائل الشيعه، ج8، ص269، باب 14 از ابواب آداب السفر إلى الحج، ح4.** |   [101] |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | سال 13 ≈ شماره 49 |  |  | | | قيامت فقط نزد خداست و باران را او فرو مى‏فرستد و آنچه را كه در رحمهاست مى‏داند و كسى نمى‏داند فردا چه به دست مى‏آورد، و كسى نمى‏داند در كدامين سرزمين مى‏ميرد. در حقيقت، خداست كه داناى آگاه است». پيامبر اكرم(ص) هم چيزى را كه تو مدعى آن هستى ادعا نمى‏كرد، آيا گمان مى‏كنى كه ساعت سعدى را كه هركس در آن حركت كند از بدى در امان بوده و ساعت نحسى را كه هركس در آن حركت نمايد مبتلا به ضرر و خسارت خواهد شد مى‏دانى؟ هركس تو را تصديق كند از يارى خدا بى نيازى جسته و در دفع امر ناپسندى كه مى‏خواسته از خود دفع كند به تو بيشتر از خدا محتاج بوده و سزاوار است به جاى پروردگار تو را حمد و ستايش كند. هركس به تو به واسطه اين امر ايمان بياورد همانا به جاى خداوند تو را شريك خداوند قرار داده است. سپس فرمودند: بارالها هيچ فالى غير از فال تو نيست، و هيچ ضررى غير از ضرر تو و هيچ خيرى غير از خير تو نيست و هيچ خدايى غير از تو نيست سپس به منجّم رو كرده و فرمودند: ما تو را تكذيب مى‏كنيم و در همان ساعتى كه تو ما را از آن نهى كردى حركت مى‏كنيم».  ظاهر روايت منع از تصديق منجّم است. در اخبارى كه به صورت قطعى مى‏دهد، چه تصديق قلبى باشد، چه عملى.  موثقه محمد بن قيس از امام باقر(ع) نيز مؤيد اين معناست: امام باقر(ع) از اميرالمؤمنين(ع) نقل مى‏كند: سخن هيچ منجّم يا كاهن و هيچ قيافه شناس و هيچ دزدى را نپذير، من شهادت فاسق را مگر عليه خودش نمى‏پذيرم **[(60)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "102f60" \o " همان، ح2.)** و اين در صورتى است كه مراد از «عراف» همان منجّم باشد. اما اگر مراد از آن كاهن باشد، اين روايت بر مدعا دلالتى ندارد مگر به ضميمه تشبيه منجّم به كاهن كه كاهن چون روايت چنين دلالتى ندارد مگر اين كه منجّم را اين هم منوط به پذيرش عموم تنزيل است.  ـ حسين بن زيد از امام صادق(ع) و ايشان از پدرانشان از رسول خدا(ص) نقل كرد كه  **[(60)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "10260) همان، ح2.** |   [102] |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | تنجيم و ستاره‏شناسى |  |  | | | در حديث مناهى فرمودند:  «و نهى عن إتيان العراف و قال:  من أتاه و صدّقه فقدبريء مما أنزل اللّه‏ على محمد (ص)؛  پيامبر از رفتن نزد منجّم نهى كرده و فرمودند: كسى كه نزد منجّم برود و سخن او را تصديق كند از آنچه خدا بر محمد(ص) فرستاده برائت جسته است». **[(61)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "103f61" \o " همان، ص 269.)**  ـ يعقوب بن شعيب، گفت: از امام صادق(ع) در باره آيه  {و مايؤمن أكثرهم باللّه‏ إلاّ و هم مشركو } . **[(62)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "103f62" \o " همان، ص 269.)** پرسيدم، حضرت فرمودند:  «چنين مى‏گفتند: غروب فلان ستاره باران مى‏آورد و غروب فلان ستاره باران نمى‏آورد. آنان نزد منجمان مى‏رفتند و سخن ايشان را تصديق مى‏كردند. **[(63)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "103f63" \o " همان، ص 269.)**  ـ در روايت مرسله معتبرى آمده است:  «ولايجوز التعويل على قوله (أي المنجّم)؛ لقول النبى (ص): من صدّق كاهناً أو منجماً فهو كافر بما أنزل على محمد (ص) ؛  تكيه بر سخن او(يعنى منجّم ) جايز نيست، زيرا پيامبر(ص) فرمودند: «كسى كه كاهن يا منجمى را تصديق كند، به آنچه بر محمد(ص) نازل شده ، كافر است » **[(64)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "103f64" \o " همان، ص 269.)**.  آنچه از اين اخبار استفاده مى‏شود نهى از تصديق منجمى است كه به صورت قطعى خبر مى‏دهد به نحوى كه سبب بى نيازى مخاطب از خداوند تبارك و تعالى مى‏گردد، اعتقاد به استقلال يااشتراك اجرام آسمانى در تأثير، يا آنها را در بقاى وجود و تأثير خود بى نياز از خداوند مى‏داند. از اين رو در اين روايات بر چنين شخصى اطلاق مشرك يا كافر شده است.  البته اين روايات غير از موارد مذكور را در بر نمى‏گيرد. اگر خبر منجّم به گونه‏اى  **[(61)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "10361) همان، ص 269.**  **[(62)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "10362) يوسف، آيه 106.**  **[(63)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "10363)وسائل الشيعه، ج8، ص271، باب 14 از ابواب آداب السفر إلى الحجّ، ح7.**  **[(64)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "10364) جامع الأحاديث، ج17، ص231.** |   [103] |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | سال 13 ≈ شماره 49 |  |  | | | باشد كه موجب كفر و شرك و بى نيازى از خداو شبيه اخبار كاهنان نباشد، تصديق قلبى او محذورى ندارد و اما تصديق عملى او اگر سخنش اطمينان آور نباشد، جايز نيست.  2. آيا يادگيرى و ياددادن علم نجوم جايز است؟  فراگيرى و آموزش علم نجوم اگر به منظور ترتيب اثر و اخبار قطعى بر اساس آن نباشد، دليلى بر حرمت آن وجود ندارد.  صاحب جواهر در مورد كهانت مى‏گويد:  «گفته شده است: علم و فراگيرى و آموزش كهانت حرام نيست، فقط عمل به آن حرام است؛ زيرا اصل عدم حرمت است و كهانت و كاهن نيز به عمل و عامل انصراف دارد نه به علم، مگر اينكه گفته شود: بين علم و عمل در اينجا انفكاكى نيست كه البته درست نيست.» **[(65)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "104f65" \o " جواهر الكلام، ج22، ص90.)**  وقتى حكم كهانت چنين باشد، حكم تنجيم كه به كهانت تشبيه شده، روشن‏تر است.  رواياتى كه بر فزونى اشتباه و خطا در علم نجوم دلالت دارد؛ بر نهى از علم نجوم دلالتى ندارد، بلكه نهايتاً كثرت خطا و اشتباه مانع از دادن حكم قطعى در حوادث است.  صاحب جواهر مى‏گويد: احاطه به تمام دقايق علم نجوم بر هر كسى ممكن نيست، مگر براى كسانى كه خزانه دار علم خداوند هستند نه كسانى كه خيال مى‏كنند مثلاً نزديك شدن دو ستاره به هم بر نحس يا سعد بودن دلالت دارد، ولى اين از نگريستن در آنچه علماى نجوم دراين علم تدوين كرده‏اند و از عمل به سخنى كه با احتياط مى‏گويند، منع نمى‏كند. گرايش گروهى از علما و محدثان شيعه را به علم نجوم بر همين وجه مى‏توان حمل كرد. كسانى همچون: حسن بن موسى نوبختى، موسى بن حسن نوبختى و ديگر نوبختيان و احمد بن محمد بن خالد برقى،  **[(65)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "10465) جواهر الكلام، ج22، ص90.** |   [104] |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | تنجيم و ستاره‏شناسى |  |  | | | احمد بن محمد بن طلحه، جلودى بصرى، محمد بن ابى عمير، محمد بن مسعود عياشى، فضل بن ابى سهل ـ كه مأمون را از خطاى منجمين در ساعتى كه براى ولايت امام رضا(ع) انتخاب كرده بودند، آگاه كرد ولى مأمون او را منع كرده و از گفتن به ديگران بازداشت. فضل فهميد كه اين كار مأمون از روى عمد است ـ از نجوم آگاه بودند و چيزهايى از آنان مى‏دانيم كه يقيناً نمى‏توان گفت ـ چنان كه سيد مرتضى پنداشته ـ اتفاقى بوده است. **[(66)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "105f66" \o " همان، ص 106 و 107.)**  سيد بن طاووس ـ بنابر آنچه از ايشان نقل شده ـ فراگيرى و آموزش و نگريستن در نجوم را جايز شمرده‏اند البته با اين اعتقاد كه حركات ستارگان، اغلب نشانه‏ها و علامت هايى هستند از حوادثى كه اتفاق مى‏افتد. اما اين اعتقاد بايد به گونه‏اى باشد كه با علم و حكمت و قدرت خداوند بر تغيير حوادث منافات نداشته باشد. **[(67)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "105f67" \o " همان، ص 106 و 107.)**  3. آيا حكم رمل و فال و كارهايى از اين قبيل مثل تنجيم است؟  صاحب جواهر مى‏گويد: «همچنين حكم رمل و فال و غير آنها از علومى كه از اسرار و غيب‏هاى عالم پرده بر مى‏دارند، نيز چنين است ؛ يعنى اعتقاد به مطابقت كامل حوادث با اين پيشگويى‏ها حرام است والاّ جايز است. رسول اكرم(ص) فال نيك زدن را بسيار دوست مى‏داشت و از گمان و فال بد زدن دورى مى‏جستند. از ائمه اهل بيت(ع) امور فراوانى مثل استخاره و بعضى از حساب‏ها و غير آنها وارد شده كه در راه كشف بسيارى از امور غيبى از آنها استفاده مى‏شود، البته نه بر وجه يقين. شايد همه اينها از فضل خدا بر بندگان و وسيله هدايت آنان است، مانند آنچه در باره «رُقى» ـ كمك از قواى فوق طبيعى ـ آمده است كه قَدَر را دفع مى‏كند و گفته‏اند خود اين بخشى از قدر است. اين باب گسترده‏اى است كه جاى طرح آن  **[(66)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "10566) همان، ص 106 و 107.**  **[(67)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "10567) مرآة العقول، ج26، ص461.** |   [105] |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | سال 13 ≈ شماره 49 |  |  | | | اينجا نيست، خصوصاً آنچه در باره حرزها و طلسمات و خواص حروف و اشيا و مصالح و مفاسدى كه دارند، وارد شده است. سزاوار است از آنچه از اين امور شائبه ضررى براى مردم دارد دورى گزيده و از آنچه به نفع مردم و در جهت مصالح زندگى آنان است و سحر نباشد، استفاده كرد». **[(68)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "106f68" \o " جواهر الكلام، ج22، ص109.)**  از ظاهر عبارت بر مى‏آيد كه خبردهى از غيب به طور قطع و جزم از هر راهى كه باشد حرام است. صحيحه حسن بن محبوب نيز بر آن دلالت دارد:  قلت لأبي عبداللّه‏: «إنّ عندنا بالجزيرة رجلاً ربما أخبر من يأتيه سأله عن الشى‏ء يسرق أو شبه ذلك فنسأله، فقال: قال رسول اللّه‏: من مشى إلى ساحر أو كاهن أو كذّاب يصدّقه فيما يقول فقد كفر بما أنزل اللّه‏ من كتاب...؛ **[(69)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "106f69" \o " جواهر الكلام، ج22، ص109.)**  به امام صادق(ع) گفتم: در جزيره ما مردى است كه وقتى كسى چيزى را گم كرده و يا از وى دزديده‏اند پيش آن مرد مى‏روند و او از جاى آن شى خبر مى‏دهد. حضرت فرمودند: «پيامبر كرم(ص) فرمودند: كسى كه پيش جادوگر يا كاهن يا دروغگو مى‏رود و او را در سخنش تصديق مى‏كند به آنچه خداوند در كتابش نازل فرموده كافر شده است...».  شيخ انصارى مى‏گويد:  «ظاهر اين روايت آن است كه خبر دادن از امور غيبى از روى قطع و يقين در هر صورت حرام است، چه با كهانت باشد و چه غير آن ؛ زيرا در اين روايت، پيامبر اكرم خبر دهنده از چيز مخفى را همانند ساحر و كاهن و دروغگو قرار داده و همه را حرام مى‏داند». **[(70)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "106f70" \o " جواهر الكلام، ج22، ص109.)**  **[(68)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "10668) جواهر الكلام، ج22، ص109.**  **[(69)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "10669) وسائل الشيعه، ج12، ص108، باب 26 از ابواب مايكتسب به، ح3.**  **[(70)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=196" \l "10670) المكاسب المحرّمه، ص53.** |   [106] |